

الف - دزفول

فاطرات مماسی مردم قهرمان و شهیدپرور دزفول

عبدالرضا سالمی نژاد

انتشارات لوح محفوظ

سالمی نژاد، عبدالرضا، ۱۳۳۹-، گردآورنده
الف دزفول: خاطرات حماسی مردم قهرمان و شهید پرور دزفول / مؤلف عبدالرضا
سالمی نژاد. - تهران: لوح محفوظ، ۱۳۸۴.
۱۳۵ ص.

ISBN: 964- 8604-24-X: ۱۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
۱. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - دزفول - خاطرات. ۲. جنگ ایران و عراق،
۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - خاطرات. ۳. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - پوشش مطبوعاتی.
الف. عنوان. ب. عنوان: خاطرات حماسی مردم قهرمان و شهید پرور دزفول.

۹۵۵/۰۸۲۳

الف ۱۸۸ اس / ۱۶۲۹ DSR

۱۹۷۳۹ - ۸۴م

کتابخانه ملی ایران

● الف - دزفول

خاطرات حماسی مردم قهرمان و شهید پرور دزفول

مؤلف: عبدالرضا سالمی نژاد

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۸۴

صفحه و قطع: ۱۳۶ صفحه، رقعی

حروفچینی و صفحه آرای: الفبا ۳۳۷۲، ۳۳۹۰

طرح جلد: حسین سالمی نژاد

لیتوگرافی: پژواک

چاپخانه: سپهر

ناشر: لوح محفوظ

تهران: خیابان پامنار، کوچه بنی هاشم، پلاک ۲۳. تلفن: ۳۳۹۰۳۳۷۲ - ۰۹۱۲۸۱۹۶۲۸۰

قم: خیابان صفایه، کوچه ممتاز، پلاک ۶۷. تلفن: ۷۷۴۰۶۴۸

E-Mail: Lawh_mahfouz_pu @ yahoo.com

حق چاپ محفوظ است

با حمایت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

شابک: x - ۲۴ - ۸۶۰۴ - ۹۶۴ - 964 - 8604 - 24 - X



فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۹
به جای مقدمه	۱۱
بخش اول: خاطرات	
جاسوس یونسکو	۱۷
روزهای اول	۲۱
مأموریت‌های نخست	۲۵
تولد بسیج	۳۱
تشکیل خطوط مقدم	۳۶
اولین اعزام	۴۰
فصل موشکباران	۴۴
جبهه صالح مشطط	۵۰
انهدام ردیاب صوت	۵۶
بیعت با امام	۶۱
امام شهر	۶۶
انفجار محراب	۶۸
گل سرخ اعظم	۷۰

۷۵ جنگ مردمی

۷۹ تونل‌ها

۸۳ حماسه حضور

بخش دوم: روزشمار

۸۹ روزشمار جنگ در دزفول

پیش‌گفتار

اینجا دزفول است.

شهر سبزقبایان سرخ‌پوش، شهر مردانی که با سرهای نترس و بی‌باک خویش حصاری از ایمان و اراده و تصمیم ساختند. دزفول یادآور حماسه‌ها و رشادت‌های مردم مقاوم آن است. حافظه تاریخی ملت ایران صفحه زرینی از این شهر را در خود دارد که به آن می‌بالد.

روزگاری تاریخ شدیدترین درگیری‌هایش را به اینجا کشانده بود و بشریت معاصر با چشم‌های از حلقه بیرون زده، تمام حماسه و غرور انسانی را مرور می‌کرد.

در همین دیار بود که درس آزادگی و سرافرازی به نسل‌هایی آموخته شد که در زیر سایه استقامت و پایداری آنها می‌آیند و می‌روند و به همین دلیل بود که شهر نمونه خواندنش.

روزگاری که ستون‌های شهر زیر هجوم موشک‌ها و توپ‌ها می‌لرزید و دیوارها و خانه‌ها فرو می‌ریخت و آسمان، جهنمی از آتش و ترکش و دود در خود داشت و هنگامی که سایه‌های مرگ تمام وسعت شهر را پوشانده بود و بوی باروت و خون فضای شهر را پر می‌کرد، مردان و زنان و کودکانی را می‌یافتی که هیچ نشانی از دلهره و

ترس نداشتند و شهادت را در لحظه لحظه زندگی همراهی می کردند.
و با لبخندهایی از جنس آسمان شکوه غرور انسانی را به نمایش
می گذاشتند.

چه کسی یاد و خاطره مرید و مراد شهر حضرت آیت الله
سید مجدالدین قاضی را فراموش می کند، هم او که خاک پای
رزمندگان اسلام را سرمه چشمهایش می دانست؟

چه کسی شکوه شهادت فرزندان شهر را در گردان های همیشه
پیروز بلال و عمار فراموش می کند؟

چه کسی روزهای آفرینش بزرگترین پیروزی مردم شهر را در لحظه
لحظه عملیات فتح المبین فراموش می کند؟

و چه کسی سخن تاریخی حضرت امام خمینی (ره) را فراموش
می کند که فرمود:

شما دزفولی ها امتحان دادید و خوب از این امتحان بیرون آمدید.

به جای مقدمه

«کشور بزرگ عراق ظرف ۴۸ ساعت آینده اهداف تعیین شده در شهرهای زیر را مورد هدف حملات موشک‌های دوربرد خود قرار می‌دهد: الف - دزفول، ب - تهران، ج - اصفهان، د - بهبهان، ه - سنندج و...»

این صدای نامحرم رادیو عراق بود که بارها فضای ملکوتی آسمان ایران را در طول سال‌های دفاع مقدس آلوده می‌کرد.

اگرچه شهرهای مورد هدف در الفبای عراق تغییر می‌کرد و کم و زیاد می‌شد اما جایگاه «الف» همیشه به دزفول اختصاص داشت، و این سؤال بی‌پاسخ جنگ همچنان در نسیم خاطرات و خطرات هشت سال دفاع مقدس باقی ماند.

مردم حماسه‌ساز دزفول بارها از خود می‌پرسیدند: از بین این همه شهر چرا عراق، دزفول را انتخاب نموده است؟

یادم است روزی همین سؤال را در کلاس‌های دوره فرماندهی از فرمانده لشکر ۷ ولی عصر (عج)^(۱) پرسیدیم.

او گفت: یک تئوری در نظام است که می‌گوید اگر می‌خواهی مثلاً

۱. سردار عبدالمحمد رفوفی.

یک قطعه صد متری را با صد گلوله توپ از قوای دشمن خالی کنی لازم نیست به نسبت هر متر یک گلوله بیاندازی، کافی است قطعه‌ای یک متری که احتمال قوی‌تر برای تجمع بیشتر امکانات و نیروها در آن است، انتخاب کنی و هفتاد گلوله را در آن بیاندازی و هر چه تلاش داری برای درهم کوبیدن قوا و روحیه آن یک متر به کارگیری، اگر در این کار موفق شدی و آنها را مجبور به تخلیه مکان کردی در قطعات دیگر با انداختن چند گلوله خواهی توانست مقاومت آنها را بشکنی، چرا که آنها تصور می‌کنند سرنوشتی همانند قطعه اول پیش روی دارند به همین دلیل نمی‌خواهند هفتاد گلوله را تجربه کنند. شاید بخشی از قضیه مقاومت شهر دزفول از چنین تئوری‌ای پیروی می‌کند.

دزفول قهرمان، شهر موشک‌ها و توپ‌ها و به قول عراقی‌ها بلدالصواريخ در طول جنگ تحمیلی، پیکر همیشه استوارش ۱۷۶ بار توسط موشک، ۲۵۰۰ بار توسط توپ، ۳۰۰ بار توسط راکت، زخم برداشت اما هیچگاه حتی یک روز کسی قامت خم شده‌اش را ندید. او با تقدیم ۲۶۰۰ شهید در ۲۷۰۰ روز مقاومت و با ۱۹ هزار واحد مسکونی و اداری تخریب شده در پیشگاه خداوند متعال همچنان تا پایان جنگ به عنوان سرباز وفادار حضرت امام باقی ماند.

جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۴ این شهر را به پاس حماسه مقاومت‌ها و رشادت‌هایش به عنوان «شهر نمونه» برگزید.

فرزندان این نسل پرتوان تا همیشه تاریخ، حماسه شهادت‌ها و مقاومت‌های پدران خود را جشن می‌گیرند و بر تاریخ حماسی خود

افتخار می‌نمایند. بی‌شک مردم و رزمندگان سلحشور این شهر هیچگاه نام مقتدای خویش، روحانی جلیل‌القدر مرحوم حضرت سید مجدالدین قاضی را که سهم فراوانی در حماسه مقاومت مردم داشت فراموش نخواهند کرد. شهادت بیش از ۸۰ نفر از مردم شهر با یک گلوله توپ و شهادت ۱۳ نوجوان در یک بسیج مسجد و شهادت عروس و دامادی در شب زفاف، گواه حضور زنده و همیشگی مردم در شهری است که به عنوان مرکز پشتیبانی فرزندان خود در جبهه‌های جنگ در آمده بود و دشمن با انواع حملات هوایی و تهدیدهای تبلیغاتی و با استفاده از متافقین داخلی‌اش در جهت تخلیه شهر و عدم پشتیبانی روحی از رزمندگان، نتوانست در اراده مردم موحد این شهر تزلزلی ایجاد نماید.

این مجموعه اگر چه گوشه‌هایی از حماسه مردم دزفول را گرد هم آورده است اما در مقابل حماسه عظیم این شهر شروعی است برای کارهای بهتر و کامل‌تر.

لازم به توضیح است که بیشتر خاطرات این مجموعه مشاهدات عینی اینجانب در طول جنگ بود است و بخشی دیگر مربوط به برادرانی می‌باشد که نام آنها در ذیل خاطرات آمده است. از کلیه برادران و خواهرانی که در ضبط و نگارش این مجموعه مرا یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارم و امیدوارم در فردای محشر در پیشگاه شهیدان والا مقام، سربلند و سرافراز باشند.

انشاء الله

عبدالرضا سالمی نژاد